سایت کارنگی (19/6/2020)

**روسیه و اصلاحات نظامی در سوریه: برنامه ها و واقعیات**

نویسنده: آلکسی خلبنیکوف، کارشناس خاورمیانه شورای روابط بین الملل روسیه

روسیه با راه اندازی اصلاحات نظامی در سوریه می تواند دو مسئله را که به هم گره خورده اند را حل کند: از بین بردن ضعف نهادهای دولتی و تضعیف نفوذ بیش از حد ایران. برای انجام این کار لازم است که یک سیستم آموزش نظامی ایجاد کرد یگانهای بسیار متحرک تربیت و فراهم نمود و نظارت درازمدتی بر فرایندهای حل و فصل سیاسی برقرار نمود.

ارتش عربی سوریه (SAA) در جریان جنگ داخلی که نه سال به طول انجامیده است به یک عامل مهم برای بقای رژیم اسد تبدیل شده است. این ارتش در تمام این سالها مجبور بود با شرایط سازگار شود و خود را تغییر دهد تا رژیم و دولت را از سقوط کامل محفوظ بدارد و امروز بدون شک این ارتش همانی نیست که قبلا بود. ارتش سوریه همچنان نقش اصلی را در این کشور بازی خواهد کرد به ویژه اکنون که جنگ به پایان رسیده است و دو متحد اصلی دمشق (مسکو و تهران) برای اطمینان از بقای رژیم به این ارتش احتیاج دارند.

با این حال در طول جنگ توانایی رزمی ارتش به شدت کاهش یافت و نقش ذاتی این نهاد که اتحاد کشور است مورد شک و تردید واقع شده داشت. امروز این سؤالات که این ارتش چگونگی تغییر شکل خواهد یافت و آیا دولت مرکزی قادر خواهد بود اصلاحات نظامی را به گونه ای انجام دهد که اقتدار ارتش را بازیابد و در عین حال انگیزه ای برای آشتی درون سوریه ایجاد کند مهمترین سوالات برای برقراری ثبات کشور و حل و فصل سیاسی کشور می باشد. این واقعیت که نگاه مسکو و تهران به این اصلاحات متفاوت است فقط شرایط را پیچیده تر می کند.

یكی از وظایف عملیات نظامی روسیه در سوریه ارائه یك آلترناتیو قانع كننده و موفق در مقابل رویكرد غربی (كه خود را به عنوان مثال در افغانستان، عراق و لیبی نشان داده است) برای حل مناقشات منطقه است. از دیدگاه مسکو رویکرد غربی شکست خورده از آب در آمده است. برای اینکه روسیه برتری خود را نشان دهد باید بتواند از عهده یک مسئله دشوار بربیاید: اصلاحات ارتش را با تمرکز بر توسعه آموزش نظامی و تربیت پرسنل نظامی، با موفقیت انجام دهد و به موازات آن روند تحولات و روندهای آشتی درون سوریه را کنترل کند و ثبات کلی در کشور را تامین کند.

در این مقاله دلایلی که روسیه را به اصلاحات در ارتش سوریه برانگیخت، اقداماتی که قبلاً انجام شده است، و همچنین مشکلاتی که روسیه با آن روبرو خواهد شد را بررسی خواهیم کرد.

**انگیزه های روسیه**

عملیات نظامی روسیه در سوریه از 30 سپتامبر 2015 آغاز شد. مسکو در ابتدا برنامه ریزی کرده بود که این عملیات فقط چند ماه طول می کشد و نه چند سال. محاسبات غلط از آب درآمد و روسیه مجبور شد با واقعیت های جدید سازگار شود، از جمله همکاری با نیروهای مسلح بسیار پراکنده و ناکارآمد سوریه.

در ابتدا مسکو زمانی تصمیم به مداخله گرفت که به نظر می رسید رژیم اسد محکوم به نابودی است و اگر نگوییم چند هفته، حداکثر چند ماه دوام خواهد آورد. روشن بود كه ارتش سوریه در جنگ داخلی ناكارآمد عمل می كند و نمی توانست مناقشه را مهار كند و از حاكمیت كشور محافظت كند. به همین دلیل، اصلاحات نظامی ارتش در بین اصلی ترین وظایف واحدهای روسی در سوریه قرار گرفت.

روسیه همواره نیروهای مسلح را به عنوان نهاد اصلی دستگاه دولتی و مهمترین ستون ثبات در خاورمیانه در نظر گرفته است. به همین دلیل روسیه علاقمند به اصلاح ارتش سوریه است. او باید یک نهاد نظامی مؤثر ایجاد کند که بتواند با اطمینان کشور را کنترل کند، ثبات را تضمین کند و در نقش یک شریک قابل اطمینان ظاهر شود که منافع روسیه را در سوریه تضمین می کند.

کرملین امیدوار است که بتواند نقش محوری را در خلع سلاح موفق و متفرق کردن گروه های مخالف و بازگرداندن آنها به جامعه سوریه، و بطور کلی برقراری ثبات بعد از مناقشه، ایفا کند و در این صورت شاهد تقویت اعتبار جهانی روسیه به عنوان میانجی اصلی در مناقشات خواهیم بود.

روابط دیپلماتیک دیرینه با سوریه پشتوانه خوبی را برای روسیه فراهم می کند و اصلاح و بازسازی نیروهای مسلح این کشور را تسهیل می کند. از سال 1955 اتحاد جماهیر شوروی متحد نظامی سیاسی سوریه بود، سلاح و تجهیزات مدرن به سوریه می داد، ارتش سوریه را بر اساس الگوی ارتش شوروی تمرین و آموزش می داد و به ایجاد زیرساخت های نظامی کمک می کرد.

بر همین اساس روسیه در سپتامبر سال 2015 توانست اصلاحاتی را در ارتش پراکنده و تضعیف شده سوریه انجام دهد. اما به موازات گسترش مشارکت روسیه در مناقشه در روند اصلاحات ارتش دو مشکل اساسی پدید آمد: چگونه انحصار دولت سوریه را در استفاده از قوای نظامی احیا کرد و حضور ایران در این کشور را متعادل کرد.

**بازگرداندن انحصار دولت در استفاده از نيروهای نظامی**

از همان آغاز مناقشه سوریه مشخص شد که رژیم نمی تواند برای حفظ قدرت فقط به نیروهای مسلح این کشور تکیه کند به همین دلیل دمشق ارتش را از انحصار استفاده از قوای نظامی محروم کرد. در مناطق مختلف، واحدهای شبه نظامی حامی دولت تشکیل شدند تا موازنه ای در مقابل بسیج نیروهای ضد دولتی، صورت بگیرد. در طی نه سال جنگ داخلی گروههای مسلح طرفدار دولت به قدری رشد کرده اند و نفوذ خود را افزایش داده اند که خود آنها به تهدیدی برای حاکمیت دولت تبدیل شده اند.

مسکو به خوبی می داند که در کوتاه مدت یا میان مدت ده ها هزار نفر از افراد مسلح خارج از کنترل می توانند زندگی رژیم را به طور جدی پیچیده کنند. برخی از فرماندهان میدانی خود به مقامات محلی تبدیل شده اند که منجر به رقابت بین آنها و ارتش عربی سوریه شده است زیرا رهبران شبه نظامیان نمی خواهند اختیارات را با دولت مرکزی به اشتراک بگذارند.

این رقابت اقتدار و ساختار مدیریتی ارتش سوریه را هر چه بیشتر تضعیف می کند. طبق برخی ارزیابیها در سال 2018 فرماندهی مرکزی فقط 20 تا 25 هزار سرباز و افسر را تحت کنترل کامل خود داشت در حالی که در یگان های مختلف شبه نظامی طرفدار دولت بین 150 تا200 هزار سرباز وجود داشته است.

از آن زمان تعداد پرسنل ارتش عربی سوریه رشد یافته است اما هنوز در میدان نبرد گروه های مسلح نامنظم تسلط دارند که البته "نامنظم بودن" این نیروها آنها را قابل اطمینان تر و قابل مدیریت تر نمی کند، بلکه خطرات دیگری را برای دولت سوریه ایجاد می کند. به همین دلیل است که در درازمدت رژیم باید فرمولی تنظیم کند که به او امکان دهد منافع فرماندهان میدانی را در نظر بگیرد و در عین حال آنها را در سیستم جدید نیروهای مسلح تحت یک فرماندهی واحد مرکزی قرار دهد. این همان کاری است که مسکو قصد انجام آن را دارد.

**خنثی سازی حضور ایران در سوریه**

حضور تشدید شده ایران که گروه های شبه نظامی طرفدار دولت را ایجاد و تأمین مالی می کند وضعیت را پیچیده تر می کند. در جریان این مناقشه، رژیم سوریه به خدمات دستجات شیعه خارجی که عمدتاً از سوی ایران تامین مالی می شدند متوسل شد: حزب الله لبنان، تیپ های عراقی الذولفقار و ابو الفضل العباس، نیروهای ایرانی قدس و بعداً واحدها ارتش ایران، تیپ شیعیان افغانستان "فاطمیون" و تیپ پاکستانی "زینبیون". این تشکل ها به رژیم کمک کردند تا دوام بیاورد اما در عین حال دولت سوریه را بیش از حد به ایران وابسته نمودند بنابراین ایران توانست حضور نظامی خود را در سوریه گسترش دهد.

برای روسیه این یک وضعیت دوگانه بود. از یک طرف مسکو به پشتیبانی زمینی ایرانیان احتیاج داشت زیرا موافقت روسیه با اعزام نیروهای هوایی خود را به سوریه منوط به این شرط بود که ایران تعداد نیروهای خود را افزایش دهد تا عملیاتهای هواپیماهای روسی مؤثرتر باشند. از طرف دیگر این امر به وابستگی بیش از حد دمشق به تشکل های طرفدار ایرانی منجر شده است و اکنون این یکی از اصلی ترین موانع اصلاح ارتش و راه اندازی روند خلع سلاح، برچیدن نیروهای شبه نظامی و الحاق آنها در قالب ارتش جدید است.

اگرچه نیروهای طرفدار ایران کاملاً جای پای خود را در سوریه و نیروهای مسلح آن محکم کرده اند، اما دمشق به هر حال به یک ارتش قوی، مستقل و خودکفا نیاز دارد تا وابستگی خود را به تهران کم کند. و مسکو این را خیلی خوب می فهمد.

**تقویت ارتش و نیروهای خارجی**

یکی دیگر از اهداف مهم مسکو که او را ترغیب به اصلاح ارتش سوریه میکند دیدن یک دمشق قوی و مستقل است. حضور نظامی روسیه در سوریه و اصلاحات نظامی که با پشتیبانی مسکو آغاز شده است می تواند به عنوان ابزاری شناخته شود که نفوذ منطقه ای تهران را محدود می کند و این سیگنال مثبتی را به قدرت های منطقه ای و جهانی در حال رقابت، می فرستد.

در حال حاضر وابستگی سوریه به ایران همان مانعی است که بخاطر آن بسیاری از قدرتهای منطقه ای و جهانی نمی توانند برای حل و فصل مناقشه سوریه با دمشق وارد مذاکره شوند. نتیجه اینکه، هیچ کس حتی در مورد رفع تحریم ها و بازسازی سوریه پس از جنگ صحبتی نمی کند.

این وضعیت با منافع روسیه که می فهمد به تنهایی قادر به بازسازی سوریه نیست مطابقت ندارد. به همین دلیل مسکو به دنبال تقویت موقعیت دمشق است. استقلال بیشتر به دمشق امکان می دهد شبکه حامیان و اهدا کنندگان منطقه ای خود را گسترش دهد که به نوبه خود راه را برای بازسازی کشور باز خواهد کرد. به عنوان مثال شرکت های اماراتی اکنون نه تنها در حال جمع آوری اطلاعاتی در مورد فرصت های توسعه کسب و کار در سوریه هستند بلکه شروع به سرمایه گذاری کرده اند تا پس از جنگ در اقتصاد سوریه جایی برای خود باز کنند.

**نمایش موفقیت**

عملیات نظامی در سوریه و پشتیبانی از دولت محلی نیز می تواند به عنوان تلاشی از سوی روسیه برای ارائه آلترناتیوی برای رویکرد غرب در مناقشات افغانستان، عراق، لیبی، یمن و سایر کشورهای خاورمیانه تلقی شود. بعقیده کرملین، رویکرد غرب ناکارآمدی خود را کاملاً نشان داده است. مسکو می خواهد نشان دهد که در اینگونه مناقشات به رویکردی بسیار سازنده تر و عاقلانه تر پایبند است، و امیدوار است که موفقیت در سوریه به او کمک کند تا چهره خود را بعنوان یک میانجی مؤثر ارتقا بخشد.

برای دستیابی به این هدف علاوه بر تلاشهای دیپلماتیک و نظامی که در حال انجام هستند روسیه باید بر روی اصلاحات ارتش سوریه تمرکز کند، نظام آموزش نظامی و تربیت نیروهای سوریه را توسعه دهد و در همین حال روند اصلاحات سیاسی و آشتی بین سوریها دنبال کند. فقط در این حالت می توان به موفقیت دست یافت.

**هدف روسیه یک ارتش حرفه ای بسیار متحرک است**

روسیه قصد دارد تا ازارتش سوریه حمایت کند تا بتواند خود را بعنوان شریک قابلی اعتماد که ضامن ثبات در این کشور است معرفی نماید، از اعتراضات آینده در امان بماند و در همین حال از منافع روسیه در سوریه به ویژه در دو پایگاه نظامی لاذقیه و طرطوس دفاع نماید. اگر ارتباط ساحل سوریه با حلب و مناطق شمال شرقی و شرقی قطع شود اهمیت استراتژیک این پایگاه ها به میزان قابل توجهی کاهش می یابد. چشم اندازهای احیای آینده اقتصاد و تجارت در سوریه (که در نهایت به نفع روسیه خواهد بود) به طور مستقیم بستگی به این دارد که آیا می توان کنترل دولت بر کل قلمرو این کشور را اعاده کرد و در آینده آنرا حفظ کرد.

درمورد ارتش سوریه مسکو می خواهد که این ارتش کاملا نهادینه و منسجم، غیر سیاسی و عاری از ایدئولوژی و اختلافات قومیتی و مذهبی باشد. در طول جنگ ماهیت کاملاً مذهبی و اغلب سیاسی شده نیروهای مسلح به آنها اجازه نمی داد که وظایف مستقیم خود را انجام دهند.

تلاش های فعلی روسیه برای تغییر ساختار ارتش سوریه به ویژه سپاه پنجم و ششم ارتش و نیروهای ببر نشان می دهد که روسیه امید زیادی به ایجاد واحدهای بسیار متحرک بسته است. در عین حال معقولانه نیست که ساختار ارتش را آنگونه که قبل از جنگ بود احیا کرد. علاوه بر این از آنجایی که روسیه اکنون دو پایگاه نظامی در سوریه دارد و قصد دارد حداقل 49 سال در آنجا بماند دیگر نیازی به تلاش برای بازگرداندن نیروهای مسلح سوریه به سطح قبل از جنگ نیست. به نظر می رسد اولویت در ایجاد نیروهای مرزی مؤثر و بسیار متحرکی است که توانایی حضور سریع در محورهای مختلف را دارند، و نیز ایجاد نیروهای داخلی مامور حفظ نظم، نیروی هوایی و پدافند هوایی.

**آنچه تا امروز روسیه توانسته است انجام دهد**

براساس وظایف تعیین شده روسیه به دنبال ایجاد ساختارهای ارتشی متمرکزتری است که کاملاً تحت کنترل دولت باشد و در عین حال نفوذ ایران بر ارتش سوریه را محدود کند. به همین منظور روسیه شروع به تقویت واحدهای مختلفی در نیروهای مسلح این کشور کرد.

در پایان سال 2015 مسکو سپاه چهارم را ایجاد کرد این اولین تلاش برای تغییر ساختار ارتش سوریه و ادغام نیروهای کمکی نامنظم در آن بود. سپاه چهارم متشکل شده است از یگان های مختلف ارتش و یگان های مسلح وابسته به آنها که شامل نیروهای پارتیزانی محلی است که در منطقه لاذقیه فعالیت می کردند و نیروهای دفاع ملی تحت کنترل ایران و تیپ بعث، در صفوف آنهاست.

با این حال اولین تجربه ناموفق بود زیرا نیروهایی مانند نیروهای دفاع ملی که تحت کنترل ایران هستند اجازه ندادند که یک سیستم فرماندهی و کنترل دقیق برقرار کرد. استراتژی سنتی تهران در ایجاد و پشتیبانی از ساختارهای نظامی موازی غیر دولتی است که مستقیماً تابع دولت سوریه نیستند و بیشتر از دستورات فرماندهی مرکزی سوریه از دستورات ایران پیروی می کنند. تهران به روشی مشابه در شکل گیری و آماده سازی نیروهای دفاع ملی شرکت کرد که غالباً تابع دمشق نیستند.

در سال 2015 نظامیان روسیه همچنین در سازماندهی مجدد، تجهیز و آموزش نیروهای ببر کمک کردند که تا به امروز تحت کنترل مسکو هستند. نیروهای ببر در عمل تبدیل به اولین نیروهایی شدند که تحت کنترل دوگانه سوریه و روسیه قرار گرفتند و این گامی مهم در جهت برطرف کردن روند ایرانی شدن تشکیلات نظامی سوریه بود.

بعداً در سالهای 2016 تا 2018 روسیه سپاه پنجم و ششم را ایجاد كرد و افرادی را که از گروههای مختلف مسلح طرفدار دولت خارج شده بودند و نیز فراریان و شورشیان عفو شده را به این دو سپاه جذب كرد. سپس آنها را در یک سیستم نظامی دقیق و تحت کنترل فرماندهی مرکزی سوریه (و روسیه) ادغام کردند. این کار به منظور تضعیف نفوذ ایران در بین شبه نظامیان طرفدار دولت و ارتش سوریه، و در عین حال تقویت ارتش سوریه به عنوان یک نهاد مهم دولتی، انجام شد.

بر خلاف ایران روسیه به همکاری با نهادهای دولتی متکی است. مسکو از نخستین روزهای مشارکت خود در مناقشه دقیقا بدنبال تقویت نهادهای دولتی بود که هنوز تحت حاکمیت دولتی بودند که رو به ضعف گذاشته بود. از جمله آنها می توان به نیروهای مسلح، سرویسهای امنیتی، کارمندان اجتماعی، دادگاهها و غیره اشاره کرد.

علاوه بر این روسیه به دنبال تقویت کنترل بر وزارت دفاع سوریه و ستاد کل است. روسیه در تلاش است تا شبکه ای از افسران و فرماندهان نظامی طرفدار روسیه ایجاد کند و آنها را به سمت های مهم در ارتش و ساختارهای امنیتی برساند که این گام هم به محدودیت هرچه بیشتر نفوذ ایران بر نیروهای مسلح سوریه و تقویت استقلال این نیروها کمک خواهد کرد.

در نتیجه مسکو رویکردی جدید به نمایش گذاشته است که بدنبال تقویت ارتش سوریه به عنوان نهادی دولتی است که برای واحدهای نامنظم و شبه نظامیان که می خواهند بخشی از نیروهای مسلح جدید باشند، جذابیت دارد.

**مشکلات اصلی**

در طول نه سال مناقشه سوریه، ایران حضور خود را در سوریه به طور قابل توجهی گسترش داده است ضمنا نیروهای طرفدار ایران غالباً به صورت موازی و حتی مغایر با منافع نهادهای دولتی سوریه عمل می کنند. برعکس مسکو در تلاش است تا نهادهای دولتی را احیا و تقویت کند چون آنها را بعنوان مطمئن ترین شرکا و ضامنهای ثبات در نظر می گیرد. این اختلاف رویکردها می تواند منجر به اصطکاک جدی بین روسیه و ایران شود که طبیعتا این امر به مانعی برای هرگونه تحول سازنده در سوریه تبدیل خواهد شد.

نفوذ بیش از حد ایران برای سیاست بلند مدت روسیه در سوریه که بدنبال تحول سیاسی، اصلاحات و آشتی با قدرتهای منطقه ای و غرب می باشد، غیرسازنده است. به عنوان مثال در آگوست سال 2018 تهران و دمشق یک توافق نامه همکاری نظامی امضا کردند که به ایران حق انحصاری مشارکت در بازسازی صنایع و زیرساخت های نظامی سوریه را اعطا کرد. این توافقنامه برنامه های روسیه را برای انجام اصلاحات در نیروهای مسلح سوریه پیچیده کرد و باعث نارضایتی بازیگران منطقه ای مانند اسرائیل، عربستان سعودی و اردن شد. اگر دمشق ضعیف و بیش از حد وابسته به ایران باقی بماند مجبور خواهد بود كمكهای مالی سایر قدرتها، پیشرفت سیاسی و تلاشهای بین المللی برای بازسازی كشور را فراموش كند.

رقابت بین نخبگان در محافل نزدیک به رئیس جمهور بشار اسد نیز می تواند موفقیت اصلاحات نظامی روسیه را به خطر اندازد. ما در اینجا در مورد حداقل دو گروه اصلی صحبت می کنیم: گروه شاهین ها که طرفدار ایران هستند و کمتر تمایل به مذاکره و سازش دارند و کبوترها که بیشتر به روسیه گرایش دارند انعطاف پذیرتر هستند و تمایل به سازش دارند.

حضور گسترده گروه های مسلح کنترل نشده که به دنبال منافع شخصی خود و خلاف اهداف دمشق هستند همچنین به طور جدی مانع از اصلاحات نظامی می شود و به دولت مرکزی اجازه نمی دهد کنترل کاملی بر کشور برقرار کند. با این وجود فعلا آنها برای دمشق مفید هستند چون آنها در جایی که ارتش سوریه قادر به ارسال واحدهای خود نیست امنیت و ثبات را برقرار می کنند.

با توجه به این ضعف، دمشق ظاهراً تا زمانی که دوباره کنترل کل قلمرو خود را بدست نیاورد و نیروهای مسلحش را احیا نکند همچنان به این تشکیلات نامنظم تکیه خواهد کرد. به همین دلیل است که ادغام شبه نظامیان فعلی در ساختارهای نظامی تازه ایجاد شده یکی از دشوارترین کارها است.

روند خلع سلاح، انحلال نیروهای شبه نظامی و بازگرداندن آنها به سوریه با قدمهای کوچک آغاز خواهد شد و به آرامی ادامه خواهد یافت. تعداد واحدهای نامنظم شبه نظامی حداقل دو برابر تعداد پرسنل ارتش سوریه است که این امر بر کنترل آنها و تمایل آنها برای تبعیت از مرکز تأثیر می گذارد. نه دمشق و نه روسیه ابزار کافی برای تغییر سریع اوضاع را ندارند و این بدان معنی است که این روند سالها ادامه خواهد یافت. مسکو قصد ندارد واحدهای زمینی را برای خلع سلاح واحدهای نامنظم مستقر کند و دمشق از نیروهای کافی برای چنین عملیاتی برخوردار نیست.

علاوه بر این جذب گسترده شبه نظامیان سابق در صفوف ارتش ممکن است عدم تعادل در ساختارهای حاکمیتی ایجاد کند و این خطر دچار شدن به دور جدیدی از تنش را بدنبال دارد. به همین دلیل است که ایجاد هسته ای محکم در نیروهای مسلح جدید سوریه نقشی کلیدی در موفقیت همه برنامه های بعدی، دارد.

**روسیه چه پیشنهادی می تواند بدهد**

روسیه مسیر ایجاد اصلاحات نظامی را برای ایجاد چنین هسته ای در نیروهای مسلح سوریه انتخاب کرده است. مسکو روند تقویت ارتش سوریه را به عنوان نهادی جذاب که سایر گروه های مسلح و شبه نظامیان می توانند به عنوان واحدهای جدید به آن بپیوندند آغاز کرده است.

از دیدگاه عملی، روسیه تجربه لازم را برای انجام اصلاحات نظامی سوریه و کنترل آن دارد. مسکو با دو هدف اصلی می تواند به ایجاد مدارس نظامی جدید کمک کند. اولین هدف آموزش و تربیت افسران و اعضای جدید سرویس های امنیتی و همچنین نخبگان نظامی آینده است. دومین هدف آموزش و تربیت مجدد فرماندهان قدیمی است. اگر مؤسسات آموزشی جدید ماهیت ایدئولوژیک، سیاسی و مذهبی نداشته باشند در آنصورت سوریه فرصت خواهد داشت تا یک کادر فرماندهی نظامی جدید ایجاد کند که خطاهای پیشینیان خود را تکرار نکند.

روسیه تجربیات فراوانی در آموزش ارتش سوریه در زمان شوروی اندوخته است. نظامیان سوریه به لطف راه اندازی مراکز جدید آموزش نظامی در سوریه و اعزام افسران جوان برای تحصیل به روسیه، مهارت های لازم برای استفاده از تسلیحات و تجهیزات مدرن را فرا خواهند گرفت. مرمت و بازسازی جزئی موسسات صنایع نظامی این کشور، به ویژه کارگاه های تعمیرات جزئی و اساسی تانک ها و وسایل نقلیه زرهی، به ارتش سوریه امکان می دهد تعداد واحدهای مسلح متحرک خود را در حد لازم حفظ کند.

سرانجام روسیه می تواند مسائل مربوط به امنیت و مونیتورینگ دوره انتقالی را در مرحله آشتی که دمشق آن را دردناکترین و دشوارترین مرحله می داند به عهده بگیرد. به عنوان مثال استقرار پلیس نظامی روسیه در سوریه اقدامی بسیار موفق تلقی می شود و این تجربه گسترش خواهد یافت. پلیس نظامی روسیه که غالب آنها مسلمانان سنی هستند از اعتماد و احترام مردم محلی برخوردارند.

**نتیجه گیری**

روسیه با در دست گرفتن کار دشوار اصلاح نیروهای مسلح سوریه، پیوندهای خود را با این کشور محکمتر کرده است. این در واقع به این معنی است که مسکو به نوعی مجبور است این اصلاحات را تحت فشار به پیش ببرد تا در نهایت به موفقیت رسید. به عبارت دیگر روسیه نمی تواند شکست را بپذیرد زیرا این یک نمایشی از ناتوانی مسکو در تعامل مؤثر با متحدانش است.

علاوه بر این، روسیه به دلیل اینکه اصلاحات او خطرات بیشتری را برای همکاری بین مسکو و تهران در سوریه ایجاد می کند در موقعیت سختی قرار گرفته است چون آنها رویکردهای متفاوتی برای تنظیم روابط خود با ساختارهای نظامی دولتی دارند.

اصلاحات واقعی نیروهای مسلح سوریه تنها در صورتی محقق خواهد شد که به آشتی در این کشور کمک کند. در عین حال موضع انعطاف ناپذیر اسد در مورد این مسئله فقط اجرای برنامه های روسی را سخت می کند. این امر به احتمال بسیار زیاد باعث می شود که مسکو مجبور شود برای مدت زمان طولانی در سوریه مشغول آموزش، تربیت و نظارت شود.

در عین حال، اصلاحات نظامی ضروری است زیرا بدون آن نمی توان از حل و فصل کامل مناقشه در سوریه صحبت کرد. در همین خصوص روسیه تجربه غنی در همکاری با کشورهای عربی دارد هنگامی که در دوره اتحاد جماهیر شوروی نیروهای مسلح این کشورها را به معنای واقعی کلمه از صفر می ساخت. به لطف همین پشتوانه مسکو فرصت خوبی دارد که حداقل روند اصلاحات را شروع کند و آن را به مسیر سازنده هدایت کند.

<https://carnegie.ru/commentary/82078>

مترجم: محمد سیفی، تاریخ ترجمه: 6/4/99